

دکتر باستانی پاریزی و کتاب

کاسه کوزه تمدن^۱

○ احمد رضا اکبری



○ کاسه کوزه تمدن

○ تألیف: محمد ابراهیم باستانی پاریزی

○ ناشر: نشر علم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰

○ ۵۲۲ ص، ۳۳۰۰۰ ریال، شابک: ۹۶۴-۴۰۵-۱۱۱-۴

«در قرن اخیر دو علم هستند که تاریخ را گسترش داده‌اند: یکی از جهت زمانی و دیگری از جهت مکانی. اول به قول رشتی‌ها از دومی شروع کنیم...» این عبارت قسمتی از کلام مؤلف در باب معاونت باستانشناسی و فضاوردی به تاریخ است.

اما جهت معرفی این کتاب مجبوریم ابتدا در باب وجه تسمیه آن، شیوه مؤلف را در پیش بگیریم و به آخرین مبحث کتاب مراجعه کنیم؛ آنجا که مؤلف در باب عنوان مقاله اظهار می‌دارد که آن را از رباعی اوحدالدین کرمانی اخذ کرده است.^۲ از مقدمه که بگذریم - و آن خود مقاله‌ای مفصل است - کتاب، مجموعه هفت مقاله است که در فواصل زمانی بسیار طولانی از دهه سی تا هشتاد شمسی فراهم آمده و اغلب در سمینارهای مختلف ارائه گردیده است. نکته قابل توجه اینکه چگونگی این مواد پراکنده در گستره زمانی چشمگیر، در یک مجموعه فراهم آمده‌اند. برخی از پاسخ‌های احتمالی به این سؤال را می‌توان در نکات ذیل خلاصه نمود:

الف - تاریخ‌نگاری باستانی: مؤلف چندین بار یادآور شده است که سوگند یاد کرده‌ام تا «در هیچ یادبود و یادواره‌ای شرکت نکنم مگر آنکه در آن به تقریبی یا به تحقیقی از کرمان سخن به میان آورم.»^۳ اگرچه سخن گفتن از «دل عالم»، گستره نسبتاً محدود مکانی را موجب گردیده اما فضای بسیار باز زمانی را از دوران پیش از تاریخ تا دوران معاصر به دست داده است. این اصل ثابت به همراه اصول فکری ثابت تاریخ‌نگاری مؤلف - که در جای خود به آنها اشاره خواهد شد - موجب آن چیزی گردیده که در کلام ایرج افشار تحت عنوان «چسب اوهو»^۴ تعبیر شده و موجب انسجام مواد پراکنده با یکدیگر و تلفیق آن با علوم دیگری چون هندسه،

مهندسی، پزشکی و... شده است.

ب - آزاداندیشی: با در نظر داشتن این اصل که «اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند»، باید گفت خمیرمایه اصلی این مقالات در سمینارهای مختلف ارائه شده، لذا مقتضیات حاکم بر فضای نسبتاً آزاد جمع،^۵ میدان وسیعتری را برای پردازش فلسفه فکری مؤلف فراهم کرده است. این مهم باعث شده تا نویسنده با تعقیب حقایق تاریخی موجبات تعمیم اجتماعی و مقبولیت‌پذیری گفتار خویش را فراهم کند. گویا این ویژگی سبب شده تا مایل هروی اظهار دارد که «مقالات باستانی هواخوری می‌کند». ^۶ آری «اهل دل» با صاحب‌دلان خویش چنین سخن گویند.

ج - تاریخ‌نگاری باستانی: گفتار مؤلف در هیچ‌جای کتاب، تاریخ سیاسی صرف نیست، بلکه تلفیق‌نگاری مواد تاریخی با سایر علوم به‌ویژه ادبیات، موجب حلاوت کلام او گردیده است. برخلاف آنچه که نگاشته^۷ و نوشته^۸ که تاریخ‌نویسان در حکم مزاربانان تاریخ هستند (البته به طعنه و نیشخند)، تنها به رهجویی اهل قبول نپرداخته، بلکه با به روز کردن این مباحث به تحلیل و تعریض واقعیت‌های اجتماع امروز بشری پرداخته است و تا آغازین نقطه سیاسی شدن مباحث پیش رفته، اما چون معتقد است که از تلبیل بابلی‌ها و گفت‌وگوی کرها نیز طرفی برنمی‌بندد^۹، از ورود بیشتر به مباحث روز شانه خالی می‌کند. از نظر او نمونه چنین مهمی را در مسایل جاری افغانستان^{۱۰} می‌توان پی‌جویی کرد.

به هر صورت مجموعه این ویژگی‌ها باعث شده تا مقاله دهه سی یا دهه هشتاد تنها به تک جمله «کاسه کوزه تمدن» اکتفا کنند...

سرآغاز سخن مؤلف عبارت طرفه، اما دو پهلوی «مقدمه‌الجیش» است. از یک جهت سر سخن مؤلف است به سیاق هر کلامی؛ و چون با جیش ترکیب یافته، برهانی است قاطع - و البته ذاتی تاریخ - در نخستین بستر کتاب که خواننده را به همراهی با خویش تحریض و تشویق می‌کند. به هر صورت ترکیبی است جهت اثبات تحلیلی و تیری است با دو نشان. از یک جهت مقدمه کتاب است که خواننده را با خود همراه می‌کند و از سوی دیگر بررسی علل ظاهره مسأله‌ای است که در ذیل به آن می‌پردازیم.

مؤلف در فحوای کلام خویش با اشاره‌های پیوسته، اما گذرا به تأثیر تحولات خارجی بر جریان‌های داخلی ایران از دوره فتحعلی‌شاه تا انعقاد معاهده پاریس (۱۲۷۳ هـ / ۱۸۵۷ م.) اشاره می‌کند. وی ضمن تصریح بر مشیت الهی در جستجوی رد پای زنان قاجار، به مهمترین علل زمینه‌ساز سقوط هرات اشاره کرده و از آن عوامل به عنوان «مقدمه‌الجیش» و عوامل ظاهری اما اصلی سقوط هرات و تشکیل دولت افغانستان یاد می‌کند.^{۱۱} متعاقب آن به سراغ رقابت شاهزادگان و خوانین به عنوان تالی آن مهم رفته و از سیاست و تأثیر آن بر دین (مذهب سیاسی) به عنوان سنگ‌های سخت دوره قاجار یاد می‌کند که هر کدام به نسبت سرسختی خویش موجبات شکستگی تمدن قاجار را موجب شده‌اند. وی در پایان سخن، کلام خویش را به مسایل روز افغانستان کشانده و از تلاش‌هایی چون گفت‌وگوی تمدن‌ها به عنوان گفت‌وگوی کرها یاد کرده و از طرح‌هایی چون ایجاد وحدت رویه اقتصادی تمدن اروپا و رویکرد آن در اقتصاد واحد پولی (یورو) به عنوان سبوه‌های شکننده این دوره تمدن اروپا یاد می‌کند و با پذیرش سخن نیچه به تصریح بیان می‌کند که: «جنگ قانون ابدی زندگی است و صلح راحت باش بین دو جنگ».^{۱۲} او همین مطلب را در جای دیگر پیگیری کرده آن را در قالب این اصل بیان می‌کند که: «سبوی تمدن بشریت، سنگ آن در خود تمدن بشریت نهفته است»^{۱۳} بنابراین

«کوزه تمدن بشریت همیشه شکننده بوده است».^{۱۴}

مبحث دوم کتاب تحت عنوان «چند نکته مهندسی به روایت تاریخ»، مجلس سخنرانی مؤلف در تالار اجتماعات سازمان مدیریت صنعتی در ۲۹ اردیبهشت ۷۸ بوده است. در این مقاله مؤلف بعد از تعیین چهارچوب مطالعات تاریخی و تفاوت آن با علوم عقلی، به موضوع ایجاد ارتباط بین تاریخ و هندسه می‌پردازد و فهرستی از کارهای خارق‌العاده مهندسی مرموز در پهنه تاریخ را بیان کرده و علوم عقلی را برای حل معماهای آن به کمک می‌طلبد. مسائلی چون هنر سنمار در کاخ خورنق، مقنن و ماه نخشب، شیخ بهایی و شمع حمام و... او این افراد را با کسانی چون گورباچف در خورنق کمونیست و ارسنجانی در خورنق نظام مالکیت روستایی ایران مقایسه کرده، چرا که هرکدام معمار طرحی نوین در زمان و مکان خویش بوده‌اند و خشت کلیدی آن کاخ‌ها به دست خودشان بوده است. وی تمامی این انسان‌ها را در زمان خودشان افرادی «فراعصری»^{۱۵} می‌داند و به نقل از دکتر شفیعی کدکنی می‌گوید:

به باور دکتر باستانی پاریزی

«سبوی تمدن بشریت، سنگ آن در خود تمدن بشریت نهفته است»
بنابراین «کوزه تمدن بشریت همیشه شکننده بوده است»

که دهری و گه ملحد و کافر باشد

که دشمن خلق فتنه‌پرور باشد

باید بچشد عذاب تنهایی را

مردی که ز عصر خود فراتر باشد

در اینجا توجه به نکته‌ای ضروری است و آن اینکه، مؤلف در صفحه ۱۷۵ کتاب در توضیح کلمه «سراسرت» می‌گوید: «ظاهراً به همان تیشه دست‌کار بنا گفته می‌شود که با آن آجر را صاف و صوف می‌کنند و می‌چسبانند داخل گچ». اما با دقت در ترکیباتی چون «راسته بازار»، «راسته کوچه» و... که به معنی مستقیم و بی‌پیچ و خم آمده، منظور از «سراسرت» به نوعی مصالح ساختمانی اعم از آجر یا خشت اطلاق می‌شود که به صورت کامل به کار رود و این مهم در مقابل چهارک (چارک)، نیمه، سرزد (آجر یا خشتی که یک سوم آن را انداخته باشند) قرار دارد. مبحث سوم کتاب به قول مؤلف^{۱۶} مقاله‌ای نقدگونه بر کتاب سفینه هندی تألیف بهگوان داس هندی است. باستانی در این مقاله ضمن انجام برخی تصحیحات و ارائه پاره‌ای توضیحات به معرفی کتاب و ارزیابی اشعار و ویژگی‌های تاریخی آن پرداخته است در ضمن این مقاله در سال ۱۳۳۸ در مجله راهنمای کتاب، شماره پنجم، سال دوم، ص ۷۴۰، و در مجله هند نو، ص ۱۰۱ به چاپ رسیده است.

«داعیه‌داری»، عنوان مقاله سوم کتاب است که به مناسبت درگذشت مرحوم دکتر محمود افشار قسمتی از آن در مجله آینده به چاپ رسیده است و آن شرح خاطره‌ای از دوران «دانشجویی و نامجویی» استاد به هنگام همکاری با مجله یغما بوده است. ایشان در غیاب مرحوم حبیب یغمایی که سمت رئیس فرهنگ کرمان را به عهده داشته‌اند، چند شماره از مجله را به چاپ رسانده و در یکی از شماره‌ها، شعر مرحوم بهار را که در رثای عارف قزوینی سروده بود، در مرگ علامه قزوینی به چاپ رسانده و یک مصراع آن را عوض نمودند. به طور خلاصه ماجرای «آب کردن»^{۱۷} شعر بهار و عکس‌العمل وی در قبال این کار بوده است... و هزار افسوس که گویی «بهار» «داعیه‌داری» «ملک ادب» به خزان گراییده و به «یغما» رفته است.

«پیش‌قلیانی دانشگاهی»^{۱۸}، عنوان خاطرات دوران دانشگاهی مؤلف در کوی امیرآباد بوده که برای سالنامه کوی فرستاده شده است و جهت دستیابی به فضای عمومی حاکم بر جامعه آن روز ایران حائز اهمیت است.

پنجمین مقاله کتاب با عنوان «تاریخ و داستان‌هایی از آن»،^{۱۹} به تبیین تفاوت موضوعی تاریخ در گذشته و حال و موانع موجود در راه تحقیقات اجتماعی، رابطه تاریخ و علم‌الاجتماع و تأثیر تاریخ در شخصیت‌پردازی افراد اختصاص یافته است. باستانی در مقاله «تاریخ و کنگره تاریخ»، به بررسی فلسفه‌های حاکم بر جریان‌های تاریخ‌نگاری کشورهای همسایه ایران^{۲۰} چون پاکستان (اسلام‌گرایی)، افغانستان (آریایی‌جویی)، ترکیه (نژادگرایی) و عراق (عرب‌گرایی و اسلام‌خواهی) پرداخته و به امتیازات بستر تاریخی ایران برای ایجاد فلسفه تاریخ‌نگاری می‌پردازد و در ضمن مسائلی ریشه‌دار بررسی‌های تاریخی ایران و دلایل عقب‌ماندگی رشته تاریخ را بررسی می‌کند و در پایان راهکارهای چندی را جهت ترقی و بهبود آن ارائه داده است.

در پایان کلام به آغاز سخن رسیدیم و در باب وجه‌تسمیه کتاب که عنوان آخرین مقاله آن نیز می‌باشد، مطالبی را نگاهشیم. این سخنرانی در آذرماه سال ۱۳۶۶ به مناسبت پنجاهمین سال بنای موزه و کتابخانه ملی در سالن موزه ایران باستان ایراد شده است.^{۲۱} مؤلف هدف خود را از این سخنرانی چنین بیان می‌کند: «هدف من در این سخنرانی این بود که از بانیان این مؤسسه بزرگ یاد کنم. مؤسسه‌ای که توأم با هویت ایرانی است و رکنی از ارکان تاریخ طولانی ایران است و هم از کسانی که روزی با وسایل ابتدایی و در کارگاه موزه ایران باستان قدم و قلم زده‌اند و در این میان حق تقدم با حکمت است که پایه‌گذار خشت اول است».^{۲۲} باستانی ابتدا در باب رابطه جغرافیا و پزشکی با تاریخ صحبت کرده و سپس مطلب را بر روی باستان‌شناسی به عنوان متحد طبیعی تاریخ^{۲۳} متمرکز می‌کند و خدمات آن را به تاریخ می‌شمارد.

باستانی که در همه مقالاتش از شعر بهره گرفته و از آن به عنوان خمیرمایه اصلی گفتار و عامل پیونددهنده زمان بهره‌گیری نموده، در نهایت به اولین فلسفه فکری خویش برمی‌گردد:

یک عمر شدیم محو تاریخ و سیر

وز جمله علل بازگرفتم خبر

حق بود که علت‌العلل بود و دگر

باقی همگی عوارض زودگذر^{۲۴}

پی‌نوشت‌ها:

۱. باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم: کاسه کوزه تمدن، نشر علم، ۱۳۸۰.
 ۲. همان، ص ۴۷۰.
 ۳. همان، ص ۳۳۵.
 ۴. همان، ص ۴۷۱.
 ۵. همان، ص ۷۳.
 ۶. همان، ص ۴۷۱.
 ۷. همان، ص ۲۸۳.
 ۸. همان، ص ۴۶۴.
 ۹. همان، ص ۶۳ به بعد و ص ۱۸۶.
 ۱۰. همان، ص ۵۰ به بعد.
 ۱۱. همان، ص ۳۰.
 ۱۲. همان، ص ۶۴.
۱۳. همان، ص ۳۴۲.
 ۱۴. همان، ص ۳۴۳.
 ۱۵. همان، ص ۱۱۹.
 ۱۶. همان، ص ۱۹۳.
 ۱۷. همان، ص ۲۱۵.
 ۱۸. همان، ص ۲۴۲.
 ۱۹. همان، ص ۸۴-۲۷۲.
 ۲۰. همان، ص ۸۸-۲۸۷.
 ۲۱. همان، ص ۴۷۳.
 ۲۲. همان، ص ۷۷-۴۷۶.
 ۲۳. همان، ص ۳۲۱.
 ۲۴. همان، ص ۴۷۷.